

## فهرست مطالب

|    | عنوان   |
|----|---|
| ۱  | مقدمه   |
| ۶  | کلیات   |
| ۶  | ۱- تعاریف   |
| ۶  | ۱-۱- افترا  |
| ۶  | ۱-۱-۱- افترا در لغت                               |
| ۷  | ۱-۱-۲- افترا در اصطلاح حقوقی                      |
| ۷  | ۱-۲- نشر اکاذیب                                   |
| ۸  | ۱-۲-۱- نشر اکاذیب در لغت                          |
| ۸  | ۱-۲-۲- نشر اکاذیب در اصطلاح حقوقی                 |
| ۹  | ۱-۳- توهین  |
| ۹  | ۱-۳-۱- بررسی ریشه لغوی توهین                      |
| ۹  | ۱-۳-۲- جایگاه قانونی توهین                        |
| ۱۰ | ۲- مقایسه افتراء و نشر اکاذیب و توهین             |
| ۱۰ | ۲-۱- جهات اشتراک                                  |
| ۱۵ | ۲-۲- وجوه افتراق جرایم توهین ، افترا و نشر اکاذیب |
| ۱۵ | ۲-۲-۱- وجوه افتراق توهین و افتراء                 |
| ۱۷ | ۲-۲-۲- وجوه افتراق توهین و نشر اکاذیب             |
| ۲۰ | ۲-۲-۳- جهات افتراق نشر اکاذیب و افتراء            |
| ۲۲ | فصل اول : افتراء                                  |
| ۲۳ | ۱- افترا قولی                                     |
| ۲۳ | ۱-۱- رکن قانونی افترا قولی                        |
| ۲۳ | ۱-۲- رکن مادی                                     |
| ۲۳ | ۱-۲-۱- انتساب جرم به دیگری                        |
| ۲۶ | ۱-۲-۱-۱- وسایل انتساب                             |
| ۲۷ | ۱-۲-۱-۱-۱- اوراق چاپی یا خطی                      |
| ۲۷ | ۱-۲-۱-۱-۲- ارتکاب افترا بوسیله مطبوعات            |
| ۲۹ | ۱-۲-۱-۱-۳- ارتکاب بوسیله نطق در مجامع             |
| ۲۹ | ۱-۲-۱-۱-۴- ارتکاب افترا با شکایت                  |

|    |   |
|----|---|
| ۲۰ | ۱-۲-۱-۲- صراحت در انتساب                                  |
| ۲۱ | ۱-۲-۱-۳- ناتوانی مفتری از اثبات انتساب                    |
| ۳۳ | ۱-۲-۱-۳- رکن معنوی  |
| ۳۵ | ۲- افترا عملی   |
| ۳۶ | ۲-۱- رکن قانونی   |
| ۳۷ | ۲-۲- رکن مادی   |
| ۳۷ | ۲-۲-۱- نخست : انجام فعل مادی مثبت                         |
| ۳۸ | ۲-۲-۲- دوم : نتیجه فعل                                    |
| ۳۹ | ۲-۲-۳- سوم : عدم اطلاع طرف جرم                            |
| ۴۰ | ۲-۳- رکن معنوی  |
| ۴۰ | ۲-۳-۱- سوء نیت عام  |
| ۴۱ | ۲-۳-۲- سوء نیت خاص  |
| ۴۱ | ۳- مبنای فقهی افترا                                       |
| ۴۲ | ۳-۱- نخست : کتاب  |
| ۴۴ | ۳-۲- دوم : سنت  |
| ۴۴ | ۳-۳- سوم : اجماع  |
| ۴۵ | ۳-۴- چهارم : عقل  |
| ۴۶ | ۴- سایر مصادیق افتراء                                     |
| ۴۷ | ۴-۱- اشاعه فحشا(تبصره ماده ۶۹۷ ق.م.ا)                     |
| ۴۷ | ۴-۲- انتشار جریان رسیدگی محاکم                            |
| ۴۸ | ۵- مجازات افتراء  |
| ۴۸ | ۵-۱- میزان مجازات افترای قولی                             |
| ۴۹ | ۵-۱-۱- تعدد جرم   |
| ۴۹ | ۵-۱-۱-۱- تعدد معنوی                                       |
| ۵۰ | ۵-۱-۱-۲- تعدد مادی (واقعی)                                |
| ۵۰ | ۵-۱-۲- تکرار جرم  |
| ۵۱ | ۵-۲- میزان مجازات افترای عملی                             |
| ۵۱ | ۵-۲-۱- تشدید مجازات                                       |
| ۵۱ | ۵-۲-۲- تخفیف و تعلیق مجازات                               |
| ۵۳ | ۶- شمول ماده ۶ و ۷ قانون مجازات اسلامی در خصوص جرم افتراء |

|    |   |
|----|---|
| ۵۴ | فصل دوم : توهین                             |
| ۵۵ | ۱-توهین                                     |
| ۵۵ | ۱-۱-تعریف توهین و اعتبار عرف در تعیین آن    |
| ۵۶ | ۱-۱-۱-رابطه توهین کیفری و توهین عرفی        |
| ۵۷ | ۱-۲-عنصر قانونی جرم توهین                   |
| ۵۹ | ۱-۲-۱-مشترکات ساختاری جرم توهین             |
| ۵۹ | ۱-۳-رکن مادی جرم توهین                      |
| ۵۹ | ۱-۳-۱-رفتار مرتکب                           |
| ۶۲ | ۱-۳-۲-اهانت از طریق ضرب و شتم یا تهدید      |
| ۶۳ | ۱-۳-۳-تعیین طرف توهین                       |
| ۶۴ | ۱-۳-۴-معیار تعیین عمل موهن                  |
| ۶۴ | ۱-۳-۵-اطلاق یا تقیید جرم توهین              |
| ۶۵ | ۱-۳-۶-وسیله                                 |
| ۶۶ | ۱-۴-عنصر روانی جرم توهین                    |
| ۶۷ | ۱-۵-توهین ساده                              |
| ۶۸ | ۱-۶-مجازات                                  |
| ۶۸ | ۱-۷-جرم قابل گذشت                           |
| ۶۹ | ۱-۸-توهین مشدد یا توهین به مامور            |
| ۶۹ | ۱-۸-۱-توهین به اعتبار سمت شخصی              |
| ۷۰ | ۱-۸-۲-سمت مجنی علیه                         |
| ۷۱ | ۱-۸-۳-علم مرتکب به سمت طرف                  |
| ۷۱ | ۱-۸-۴-توهین در حین انجام وظیفه یا به سبب آن |
| ۷۴ | ۱-۹-مجازات جرم توهین مشدد                   |
| ۷۵ | ۱-۱۰-توهین مطبوعاتی                         |
| ۷۶ | ۱-۱۰-۱-انواع توهین مطبوعاتی                 |
| ۷۶ | ۱-۱۰-۲-وسیله خاص در توهین مطبوعاتی          |
| ۷۷ | ۱-۱۰-۳-مسئولیت کیفری در جرایم مطبوعاتی      |
| ۷۹ | ۱-۱۰-۴-مسئولیت صاحب امتیاز                  |
| ۷۹ | ۱-۱۰-۵-مدیر مسئول                           |
| ۸۰ | ۱-۱۰-۶-مسئولیت نویسنده                      |

- ۸۰-۷-۱۰-۱- مجازات
- ۸۰-۱۱-۱- ضمانت اجرای توهین به مقدسات اسلامی
- ۸۱-۱۱-۱- مبنای فقهی توهین به مقدسات اسلام
- ۸۱-۱۱-۲- مبنای قانونی
- ۸۱-۱۱-۳- مقدسات اسلام
- ۸۲-۱۱-۴- تفاوت بین سب و اهانت
- ۸۳-۱۱-۵- مجازات توهین به مقدسات اسلام
- ۸۳-۱۲-۱- توهین به رهبری یا مراجع مسلم تقلید
- ۸۳-۱۳-۱- توهین به رئیس کشور خارجی
- ۸۳-۱۳-۱- شخصیت طرف
- ۸۴-۱۳-۲- توهین علنی
- ۸۴-۱۳-۳- شرط ورود
- ۸۵-۱۳-۴- معامله متقابل
- ۸۵-۱۳-۵- مجازات
- ۸۵-۱۴-۱- مجازات توهین مطبوعاتی به سایر اشخاص
- ۸۶-۱۵-۱- بررسی جرم شناسانه و جامعه شناسانه مجازاتها
- ۸۶-۱۵-۱- اهداف مورد نظر از مجازاتها در نظام کیفری اسلام و مقایسه آن با مجازات این جرایم
- ۸۶-۱۵-۱-۱- سودمندی و ارباب
- ۸۷-۱۵-۱-۲- تامین امنیت جامعه
- ۸۷-۱۵-۱-۳- پیشگیری از جرم
- ۸۷-۱۵-۱-۴- اصلاح مجرم
- ۹۰-۱۵-۲- خسارت معنوی در حقوق موضوعه
- ۹۱-۱۵-۳- صدق ضرر بر آسیبهای معنوی
- ۹۱-۱۵-۴- ایرادات
- ۹۱-۱۵-۴-۱- ایراد فطری
- ۹۲-۱۵-۴-۲- ایراد فنی
- ۹۲-۱۵-۴-۳- ایراد اخلاقی
- ۹۳-۱۵-۵- بررسی فقهی خسارت
- ۹۳-۱۵-۵-۱- حمایت از خسارت معنوی در فقه

|     |   |
|-----|---|
| ۹۳  | ۲-۵-۱۵-۱- راههای اثبات جواز جبران مادی خسارت معنوی  |
| ۹۴  | ۱-۲-۵-۱۵-۱- تعزیر                                   |
| ۹۴  | ۲-۲-۵-۱۵-۱- قاعده لاضرر                             |
| ۹۵  | ۳-۵-۱۵-۱- مؤیدات فقهی                               |
| ۹۷  | <b>فصل سوم: بررسی جرم نشر اکاذیب</b>                |
| ۹۸  | ۱- نشر اکاذیب                                       |
| ۹۸  | ۱-۱- رکن قانونی                                     |
| ۹۹  | ۲-۱- رکن مادی جرم نشر اکاذیب                        |
| ۹۹  | ۱-۲-۱- اظهار اکاذیب                                 |
| ۱۰۲ | ۲-۲-۱- اسناد اعمال خلاف واقع به غیر صریحا یا تلویحا |
| ۱۰۴ | ۳-۲-۱- وسیله ارتکاب جرم                             |
| ۱۰۵ | ۳-۱- رکن معنوی جرم نشر اکاذیب                       |
| ۱۰۶ | ۱-۳-۱- سوء نیت عام                                  |
| ۱۰۶ | ۲-۳-۱- سوء نیت خاص                                  |
| ۱۰۸ | ۳-۳-۱- قصد اضرار به غیر                             |
| ۱۰۹ | ۴-۳-۱- قصد تشویش اذهان عمومی                        |
| ۱۰۹ | ۵-۳-۱- قصد تشویش اذهان مقامات رسمی                  |
| ۱۱۰ | ۴-۱- مبنای فقهی نشر اکاذیب                          |
| ۱۱۱ | ۵-۱- پاسخ ها  |
| ۱۱۳ | نتیجه گیری  |
| ۱۱۹ | <b>فهرست منابع و ماخذ</b>                           |
| ۱۱۹ | کتاب  |
| ۱۲۱ | مقالات  |
| ۱۲۱ | پایان نامه ها و جزوات                               |
| ۱۲۲ | مجموعه قوانین و رویه های قضایی                      |
| ۱۲۲ | فرهنگ نامه ها                                       |
| ۱۲۳ | منابع عربی  |

تقديم به :

ساحت مقدس و ملكوتى

# آقا على بن موسى الرضا

(عليه آلاف التحية و الثناء)

و به والدين گراميم

## سپاس گذاری:

در اینجا لازم میدانم از راهنمایی های استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر ولی ...  
انصاری و همچنین استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر کیومرث عزتی پور صمیمانه  
تشکر و قدردانی نمایم .

همچنین از زحمات پدر و مادر عزیزم که با دعای خیرشان همواره پشتیبان معنوی بنده  
بودند قدردانی و تشکر می نمایم .

فرم چکیده پایان نامه دوره تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد):

نام خانوادگی دانشجو: نصرالهی      نام: محمدعلی

استاد راهنما: دکتر ولی ا... انصاری      استاد مشاور: دکتر کیومرث عزتی پور

رشته حقوق جزا و جرم شناسی      تاریخ دفاع:      تعداد صفحات:

عنوان پایان نامه: بررسی جرایم افتراء، توهین و نشر اکاذیب در حقوق جزا و فقه امامیه

کلید واژه ها: افتراء عملی و قولی - نشر اکاذیب - توهین - قذف

### چکیده

حمایت از حیثیت و آبروی افراد یکی از رسالت های مهم هر حاکمیت می باشد. بعلاوه یکی از کارکردهای مهم حقوق کیفری این است که در تحقق این رسالت مهم به دولتها کمک کند. قانونگذار در قانون کیفری و دیگر قوانین مرتبط عناوین مجرمانه ای تحت عنوان افتراء و نشر اکاذیب را پیش بینی کرده است که نگارنده در این نوشتار به بررسی آنها پرداخته است.

افتراء به عنوان انتساب عمل غیرقانونی به فرد از جرایم شدیدیه ای باید تلقی شود چرا که می تواند شخصیت فرد را در جامعه تخریب نماید. امور انتسابی به فرد باید صریح باشند. در نشر اکاذیب برخلاف افتراء صراحتا قصد اضرار به غیر ذکر شده است و جزو ارکان اصلی بزه نشر اکاذیب محسوب می شود. به نظر می رسد که رکن سوء نیت زمانی مورد نظر است که مطالب کذب فقط متوجه شخصی خاص باشد از دیگر شرایط لازم برای تحقق نشر اکاذیب این است که مطالب کذب کتبا اظهار شود.



همچنین کذب بودن مطالب یکی از مهمترین ارکان متشکله بزه نشر اکاذیب، دروغ بودن مطالب اسنادی است. بنابراین، چنانچه صحت ادعا ثابت شود دیگر موضوع نشر اکاذیب تلقی نمی گردد. افزون بر آن امور متناسبه لازم نیست که حتما صریح باشند بلکه حتی تلویحی باشد نیز مشمول عنوان مجرمانه است. صراحت امور انتسابی ضرورت ندارد. در نهایت آن که در بزه نشر اکاذیب، سوء نیت مرتکب بیشتر ملحوظ نظر قانون گذار بوده است. افتراء و نشر اکاذیب و توهین هر سه از جرایم تعزیری علیه تمامیت معنوی اشخاص محسوب می گردد.

**امضاء استاد راهنما**

Surname:Nasrollahi first name:Mohammad ali

Supervisor:D.r ansari

Advisor: D.r ezzati por

Degree:m.a field of study:criminal law and criminology

Title: examining the crimes of calumny and in sult and spreading of falsification in criminal law and religious jurisprudence

Key words:practical and verbal calumny – spreading of falsifications – insult – false accusation

Abstract:

Protection of the person's honour is one of the most important tasks of any state. Moreover, one of the important functions of the criminal law is to help the states to achieve this end. The law – maker has envisaged some criminal titles as defamation and publication of false statements which shall be considered in this thesis.

Defamation, as attribution of an illegal action to someone, must be regarded as serious for it can destroy the personality of the people. The attributed action must be clear.

To be regarded as the publication of false statements, an act must intend to harm the other.

Mis-intention seems to be required when the false statement is directed against a special person. The other requirement is that the materials must be presented in written form. One of the most important elements of this offence is that the materials must be false.

So if they are proven to be true, there will be no offence. In addition, the attributed issues are not required to be express.

Finally, from the view – point of the lawmaker, misintention of the offender of the publication of false statements is more important than other considerations. Both defamation and the publication of false statements are regarded as offences against the moral integrity of the persons.

## مقدمه:

آن چه مسلم و واضح است این است که طبع زندگی اجتماعی بشر مستلزم برخورد اندیشه ها ، گفتار و کردار و منافع افراد جامعه است و این پدیده ها منشاء وقوع جرایم می باشند به طوری که دلیل وقوع جرم را اجتماعی زیستن انسان می دانند که دسته ای از این جرایم با جبر و عنف مادی و دسته ای دیگر بدون جبر و عنف مادی به وسیله زبان یا قلم صورت می گیرد که جرایم نوع دوم موجب مصدوم شدن شخصیت و حیثیت و شرافت افراد جامعه می گردد مجموع جرایم ارتكابی با توجه به موضوع جرم در یک تقسیم بندی کلی به سه گروه جرایم علیه اشخاص ، جرایم علیه اموال و مالکیت و جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی تقسیم می شود هر کدام از این تقسیم بندی ها ، جرایم متعددی را با دسته بندی های متفاوت در برمی گیرند .

جرایم ارتكابی علیه اشخاص به اعتبار موضوع مورد تعرض به دو دسته جرایم علیه تمامیت جسمانی و فیزیکی اشخاص و جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص تقسیم می شوند که هر کدام نیز دارای تقسیمات فرعی می باشند در جرایم علیه تمامیت جسمانی ، جسم و جان شخص مورد تعرض و صدمه قرار می گیرد که در راس آنها قتل عمدی قرار دارد که شدیدترین و مهمترین نوع این جرایم محسوب می گردد در حالی که در جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص اولاً ضرر متوجه شخصیت معنوی بوده و در ثانی زیان وارده در این دسته از جرایم ، از نوع صدمات روحی و معنوی می باشد نه از نوع صدمات و زیانهای جسمانی .

دسته اخیر به اعتبار وجود یا فقدان جبر و عنف مادی در حین ارتكاب عمل مجرمانه به دو

گروه تقسیم می شوند :

۱) جرایمی که توأم با جبر مادی است نظیر جرایم علیه آزادی (توقیف و حبس غیرقانونی)

هتک حرمت منازل و املاک و....

۲) جرایمی که توأم با جبرمادی و عنف نیستند به عبارت دیگر جرایمی که جبر، عنف و

اعمال زور در ارتکاب آنها نقشی ندارد مانند تهدید، توهین، افتراء، و نشر اکاذیب.

باید یادآوری شود که تفاوت مذکور در خصوص این دو دسته از جرایم مطلق نیست و

نسبی است چرا که در افتراء، کذب و اعمال منافی عفت، موضوع مواد ۱۳۹ تا ۱۶۴ قانون

مجازات اسلامی و مواد ۶۹۷ تا ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی ممکن است صدمه معنوی، روحی

و اخلاقی به نحو شدید باشد که به سلامت جسمانی مجنی علیه نیز لطمه وارد می سازد و

علیرغم آن در بازداشت غیرقانونی که مبتنی به سلب آزادی شخص مجنی علیه است صدمه

وارده صدمه ای است صرفاً معنوی و ارتباطی با آسیب تمامیت جسمانی ندارد.<sup>۱</sup>

از این رو با توجه به موضوع مورد تجاوز در جرایم مختلف، چون آنچه که موضوع جرایم

افتراء، توهین و نشر اکاذیب واقع می گردد شخصیت معنوی و حیثیت افراد می باشد لذا این جرایم

را از جمله جرایم علیه حیثیت و شرافت نامگذاری نموده اند.

از این رو، می توان گفت قانون مجازات اسلامی در باب اول از کتاب خود قانون مجازات

اسلامی را راجع به تعیین انواع جرایم و مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی درباره مجرم

دانسته و بیان داشته است که « هر فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم

محسوب می شود » در باب دوم از کتاب اول خود نیز به برشمردن مجازاتها اقدام نموده

است و با توجه به متن ماده ۱۲ قانون، مجازتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی را به پنج

قسم تقسیم بندی نموده که عبارتند از: حدود، قصاص، دیات، تعزیر و مجازاتهای بازدارنده

<sup>۱</sup> - ایرج گلدوزیان، حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه تمامیت جسمانی، اموال، مالکیت، امنیت و آسایش عمومی)، تهران، چاپ هفتم

، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ ص ۲۰

که مجازاتهای مذکور قاعدتا در دو مورد بکار می رود که یا در مورد جرایم ارتكابی علیه اموال و مالکیت اشخاص یا در مورد شخصیت خود افراد است که مورد اول در مبحث جرایم علیه اموال و مالکیت اشخاص قابل بحث و بررسی است و مورد دوم که شخصیت افراد را در بر می گیرد خود شامل دو قسم می باشد که براساس شخصیت افراد به جرایم علیه شخصیت مادی و جرایم علیه شخصیت معنوی آنها تقسیم می گردد: قسم اول که در خصوص شخصیت مادی اشخاص است مربوط به ایراد صدمات بدنی شامل ضرب و جرح و یا هر آسیب بدنی دیگر که می تواند به صورت قتل یا نقص عضو یا غیره ظاهر شود که این مورد، هم مد نظر نبوده و در جای دیگر قابل بحث است.

آنچه در این نوشتار مورد نظر میباشد و در محدوده بحث ما قرار دارد جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص است ضروری که در این جرایم به اشخاص وارد می شود ضرر روحی و معنوی است این جرائم نیز خود به دو گروه عمدی تقسیم شده اند: گروه نخست، جرائمی هستند که مجرم در ارتكاب آنها متوسل به نوعی جبر و عنف می شود مثل جرایم بر ضد آزادی اشخاص یا هتك حرمت منازل یا نبش قبر و غیره.

گروه دوم جرایمی هستند که مجرم در ارتكاب آنها نیاز به جبر و عنف مادی برای ارتكاب جرم ندارد و به وسیله نوشته و گفتار و یا حتی اعمال و کردار خوب، مرتكب چنین جرمی می گردند مثل تهمت، افشای سر، افتراء، تهدید، هتك شرف و حیثیت.

بنابراین در این جا می توان وجه افتراق جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص و جرایم علیه تمامیت جسمی اشخاص را این چنین در نظر گرفت.

از لحاظ موضوع: موضوع جرایم علیه حیثیت شخصیت معنوی، افراد، آزادی ها و دیگر حقوق اساسی ملت است که معمولاً در اصول قانون اساسی کشورها مورد حمایت قرار می گیرد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول خود به این مهم توجه نموده است.

از حیث نتیجه: ارتکاب جرایم مربوط به ارتکاب افراد باعث ضرر و زیان معنوی مجنی علیه خواهد شد. نظر به اینکه حیثیت و شرافت در جامعه انسانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است صیانت و حفاظت از این ارزشها از وظایف اشخاص جامعه است بویژه قانونگذار جامعه ما تلاش نموده است هرگونه عملی که مخالف حیثیت و شرافت اشخاص واقع شود آنها را ممنوع و برای آنها مجازات تعیین کند. در این رابطه در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) بحثی را تحت عنوان « افترا، توهین، هتک حرمت » مطرح کرده است اگر چه قانونگذار ما سه اصطلاح افتراء، توهین، و هتک حرمت را با هم بکار برده است اما لازم به توضیح است که هتک حرمت اصطلاح عام است که شامل دو قسم دیگر هم می شود از جهتی هتک حرمت و توهین را می توان مترادف دانست در حالی که افترا نسبت به آن دو، جرم خاص است چرا که هر افترايي موجب هتک حرمت و توهین است. اما الزاماً هر توهین و هتک حرمتی افترا نیست.

اما آنچه مهم است این که هر سه جرم، حیثیت و شرافت و شخصیت معنوی اشخاص را لکه دار می کند طرح مساله: سوالات مطروحه در این رساله عبارتند از:

۱- جرایم علیه آبروی اشخاص در فقه و حقوق موضوعه چه هستند و آیا فقط توسط یا علیه اشخاص حقیقی به وقوع می پیوندند؟

۲- آیا تناسبی بین آثار جرایم مد نظر و مجازاتهای مقرر قانونی آنها وجود دارد؟

۳- پذیرش پرداخت پول در مقابل خسارت معنوی ناشی از جرایم علیه آبروی اشخاص امکان

دارد و نقش آن در پیشگیری از این جرایم چیست؟

۴- تبیین جرایم افترا و توهین و نشر اکاذیب ، شناخت عناصر این جرایم ، مجازات آنها و درک وجوه تشابه و افتراق آنها است .

#### هدف :

به دلیل اهمیت حفظ و حمایت از سرمایه و شرافت اشخاص و به دلیل این که قوانین و قواعد موضوعه در این زمینه پراکنده و بعضا نارسا است بررسی در این مقررات لازم و ضروری است .

هر چند مواد اندکی از قانون مجازات اسلامی به موضوع مورد بحث پرداخته اند اما ناگزیر باید دقت بیشتری بکار برده شود که ابهامات بی شماری که در عمل پیش می آید تا حد امکان با استفاده از بطن همین مواد موجود برطرف شود تا نتیجه نهایی که مورد نظر مقنن در جرم انگاری این گونه اعمال بوده است تامین گردد به هر حال هدف از انتخاب این موضوع در وهله اول توضیح و تبیین مقررات حاکم بر سرمایه معنوی شرافت اشخاص است .

#### فرضیه تحقیق :

۱- جرایم علیه آبروی اشخاص (توهین ، افتراء و نشر اکاذیب ) هر کدام با لواحقشان توسط شخص حقوقی نیز ممکن است ارتکاب یابند .

۲- تناسبی بین جرائم فوق و مجازاتهای آنها وجود ندارد و باید قانونگذار مجازات متناسب با هر کدام را وضع کند .

۳- در جرایم افترا و توهین و نشر اکاذیب ، علاوه بر مبنای قانونی ، مبنای فقهی نیز دارند .

۴- کتبی بودن شرط تحقق رکن مادی جرم نشر اکاذیب است .

۵- جرم افترا صرفا در قانون تعزیرات پیش بینی نشده است .

#### روش تحقیق و گردآوری اطلاعات :

روش تحقیق به صورت توصیفی است در این راستا سعی می شود تا به تحلیل آنها پرداخته شود به طور طبیعی نگاه نگارنده به طرح و بحث موضوعات یک نگاه حقوقی خواهد بود روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای است .

### ساماندهی تحقیق:

در این نوشتار، نگارنده به بررسی جرایم افترا و توهین و نشر اکاذیب می پردازد در قسمت اول به کلیات پرداخته می شود که در آن مسایلی از قبیل تعاریف و سپس به بررسی جرم افترا پرداخته می شود که ضمن بررسی مفهوم این جرم به ارکان تشکیل دهنده آن و همچنین مجازات آن پرداخته می شود همین طور در قسمت دوم به بررسی جرم توهین و در قسمت سوم به بررسی جرم نشر اکاذیب پرداخته می شود که در این قسمت نیز مفهوم، ارکان و مجازات این جرایم مورد بحث قرار می گیرد در نهایت هم نتیجه گیری ارائه می شود .

### - کلیات

۱- تعاریف: از نظر حقوقی لازمه بررسی هر جرم این است که بدوا به مفهوم آن جرم در لغت و اصطلاح حقوقی و نیز به ارکان تشکیل دهنده آن جرم شناخت پیدا کنیم در این فصل نگارنده سعی نموده است تا ضمن بررسی مفهوم این جرم در لغت و اصطلاح حقوقی ارکان متشکله آن را نیز مورد بررسی قرار دهد .

### کلیات

#### ۱- تعاریف

##### ۱-۱- افترا

##### ۱-۱-۱- افترا در لغت



افترا در فارسی از نظر لغوی بمعنای تهمت زدن به دروغ یا نسبت دادن خیانت به کسی یا خبری را به دروغ گفتن و بهتان آمده است.<sup>۱</sup>

از نظر لغوی افترا (Defamation) را به معنی افتضاح و اتهام نیز آورده اند<sup>۲</sup> و گاهی نیز به معنی مذمت و رسوایی و تهمت معنی کرده اند افترا به معنی تهمت زدن، دروغ بستن و به دروغ نسبت خیانت دادن نیز آمده است<sup>۳</sup> در لغتنامه دهخدا آمده است؛ افترا: همان افترا عربی است که همزه آن افتاده<sup>۴</sup>.

در زبان عربی افترا در معنای لغوی خود عبارت از دروغ بر یافتن می باشد افترا از باب افتعال است که با همزه همراه است (افترا) و از ثلاثی مجرد (ف ر ی) گرفته شده است و فریه به معنی کذب و دروغ و چیز ساختگی است.<sup>۵</sup>

در فرهنگ زبان فارسی امروز افترا: نسبت دروغ به کسی دادن است<sup>۱</sup> و نکته ای که از تعاریف بالا بدست می آید این است که: افترا نسبت دروغ به کسی دادن و کاری به کسی نسبت دادن که او آن را انجام نداده است.

## ۲-۱-۱- افترا در اصطلاح حقوقی

در تعبیر حقوقی بموجب ماده ۱۴۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ افترا نسبت دادن امری بود که مطابق قانون جرم تلقی شود با تصویب ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ دیگر ماده ۱۴۰ قانون تعزیرات قابلیت استناد ندارد<sup>۷</sup> به موجب ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی: افترا عبارت است از نسبت دادن صریح جرم به دیگری و عجز از اثبات صحت آن. به عبارت

۱- حسن عمید، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲، ص ۱۳۹.

۲- حسین زاهدی شانلدوش، فرهنگ انگلیسی به فارسی خیام، تهران، کتاب فروشی خیام، ۱۳۵۱، ص ۸۶.

۳- عباس فهرین شوشتری، فرهنگ کامل لغات قرآن، تهران، چاپ چهارم، انتشارات گنجینه، ۱۳۵۹، ص ۷۰.

۴- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا جلد ۲ (دوره ۱۵ جلدی) ص ۲۰۳۷.

۵- محمد بن ابی بکر ابن عبدالقادر رازی، مختارالفصاح، انتشارات مکتبه المصطفی الجبلی و والاده ص ۳۹۲.

۶- غلامحسین صدری افشار، فرهنگ فارسی زبانان امروز، چاپ اول، تهران کلمه ۱۳۷۹ ص ۸۲.

۷- اشاره به این ماده در این نوشتار فقط از حیث مقایسه و مطالعه است از نظر حقوقی این ماده قابلیت استناد ندارد.

دیگر چنانچه شخصی عملی را که مطابق قانون جرم و برای آن مجازات تعیین شده عملاً یا قولاً به دیگری نسبت دهد بعنوان مفتری قابل تعقیب خواهد بود مشروط براین که انتساب عمل مذکور برخلاف واقعیت و حقیقت باشد .

بنابراین در اصطلاح حقوقی افترا جرمی است که دارای اجزاء ذیل باشد :

الف ) اسناد : شرط اول تحقق این جرم ، اسناد فعل به دیگری است .

ب) جرم بودن اسناد (ماده ۲۶۹ قانون مجازات عمومی و ماده ۱۴۰ قانون تعزیرات )

ج) صراحت در اسناد : اسناد باید صریح و نسبت به یک یا چند نفر معین باشد ولی تصریح به اسم ضرورت ندارد .

د) عمد در اسناد : مفتری باید دارای عمد باشد لذا اگر شخصی سهوا و بدون عمد جرمی را اسناد دهد جرم تحقق پیدا نمی کند .

ه) اسناد جرم باید به یکی از طرق مذکور در قانون باشد مثلاً بوسیله اوراق چاپی یا خطی یا بوسیله انتشار و اعلان یا نطق در مجامع .

و) عدم توانایی در اثبات اسناد : هر چند که عدم توانایی اثبات از عناصر جرم افترا نیست ولی اثبات آن از موجبات معافیت از مجازات است<sup>۱</sup> .

## ۲-۱- نشر اکاذیب

یکی دیگر از انواع جرایم علیه حیثیت و شخصیت معنوی افراد اشاعه اکاذیب می باشد امروزه با توجه به گسترش ارتباطات اجتماعی آمار ارتکاب چنین جرایمی رو به فزونی است با بررسی در قانون مطبوعات ایران جرمی تحت عنوان اشاعه اکاذیب وجود ندارد برای روشن شدن موضوع نخست به رایه تعریف لغوی و اصطلاحی از اشاعه اکاذیب می پردازیم .

### ۱-۲-۱- نشر اکاذیب در لغت

۱- محمد جعفر لنگرودی ، ترمینولوژی حقوق ، تهران ، نشر گنج دانش ، ۱۳۶۳ ص ۶۷ و ۶۸

اکاذیب جمع کذب و کذب در لغت به معنی دروغ گفتن ، خبردادن برخلاف عقیده خود ، خواه عقیده مطابق واقع باشد یا نباشد، خبردادن از چیزی که برخلاف آن چه هست با علم به آن ، ضد صدق....<sup>۱</sup> . بنابراین ، نشر اکاذیب به معنی پخش و گسترش هر نوع سخن خلاف واقع و حقیقت خواهد بود و چون واژه نشر همراه اکاذیب آمده است به نظر می رسد شامل نشر نوشتاری می شود و گفتن دروغ از این جرم خروج موضوعی دارد که بعدا در موردش بحث خواهیم کرد .

## ۲-۲-۱- نشر اکاذیب در اصطلاح حقوقی

نشر اکاذیب در اصطلاح حقوقی چنین تعریف شده است :

« انتشار و اشاعه یا سوء نیت اخبار دروغ و وقایع خلاف واقع<sup>۲</sup> » از این رو ملاحظه می شود

که معنای اصطلاحی نشر اکاذیب در علم حقوق با معنای لغوی آن یکسان است .

مبنای شرعی جرم نشر اکاذیب از جمله آیه ۱۹ سوره نور است که می فرماید: « ان الذین

يُحِبُّونَ اَنْ تَشِيْعَ الْفَحِشَةُ فِي الدِّينِ ؕ اٰمَنُوْا لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ .....»

به طور کلی می توان گفت از نظر حقوقی تعریف نشر اکاذیب همان است که در ماده ۶۹۸

قانون مجازات اسلامی مقرر شده است به موجب این ماده « هر کس به قصد اضرار به غیر یا

تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا

گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید

یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت راسا یا بعنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی

یا مقامات رسمی تصریحا یا تلویحا نسبت دهد اعم از این که از طریق مزبور به نحوی از انحاء

ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه ، علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان ، باید به

۱- علی اکبر دهخدا ، لغت نامه ، جلد هفتم ، تهران ، دانشگاه تهران ، ۱۳۷۷ ، جلد ۳۹ ص ۴۰۲

۲- محمد جعفر لنگرودی ، ترمینولوژی حقوق ، پیشین ، شماره ۲۷۴۳

حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می شود» بنابراین نشر اکاذیب عبارت است از اظهار اکاذیب به قصد زیان رسانیدن به دیگری یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به هر طریقی .

### ۱-۳- توهین

#### ۱-۳-۱- بررسی ریشه لغوی توهین

توهین مطابق لغت نامه دهخدا عبارت است از خوار داشتن ، پست شمردن<sup>۱</sup> و سبک داشتن. در کتاب گنجینه لغات ، توهین عبارت است از سست گردانیدن ، خفیف شمردن<sup>۲</sup>. در کتاب فرهنگ روز سخن، توهین : با کلام یا عمل ناروا منزلت و شخصیت کسی را کاستن<sup>۳</sup>. از جمله از تعاریف مذکور چنین بدست می آید که توهین یعنی بی احترامی به شخص مقابل وزیر سوال بردن شخصیت او . حال به هر وسیله اعم از گفتار و رفتار ، بنحوی که موجب کاستن از شخصیت فرد مقابل شود .

#### ۱-۳-۲- جایگاه قانونی توهین

جرایم ارتكابی انسانها همیشه بر علیه جان و مال انسانها نیست و اثر آن همیشه به صورت مادی نخواهد بود بلکه بعضی جرایم هستند که علیه جان و مال اشخاص نیستند و بالتبع اثر مادی نیز نخواهند داشت جرایم علیه آبروی اشخاص یا به طور اعم جرایم علیه (شخصیت معنوی) بلکه از جمله جرایمی هستند که بر علیه آبرو و حیثیت اشخاص ، واقع می شوند اثر آنها نیز به صورت مادی نیست بلکه به صورت غیر مادی خواهد بود .

۱- علی اکبر دهخدا، پیشین ص ۲۴۲۰

۲- نصر... آژنگ ، گنجینه لغات ، چاپ اول ، تهران ، نشر گنجینه ۱۳۸۱ ص ۲۶۳

۳- حسن انوری ، فرهنگ روز سخن ، چاپ ۲۴ ، تهران ، سخن ۱۳۸۳ ص ۱۸۶